

# مسیحیت در ایران

آنجایی که طفل بود رسیده بايستاد. و چون ستاره را دیدند بی نهایت شاد و خوشحال گشتند. و به خانه درآمده طفل را با مادرش مریم یافتند و بر وی درافتاده او را پرستش کردند و ذخایر خود را گشوده هدایای طلا و کندر و مُزّ بوی گذرانیدند. و چون در خواب بدیشان در رسید که به نزد هیرودیس بازگشت نکنند پس از راه دیگر به وطن خویش مراجعت کردند.»

دو روایت مذکور به نوعی مکمل همدیگر بوده و بسیاری از شبهاتی را که در خصوص استناد و تطبیق آن مطرح می‌کند پاسخ می‌دهد؛ از جمله آن که این بشارت از طریق اخبار یهود گرفته نشده است، زیرا تاریخچه دیرینه آیین زرتشت و جاماسب حکیم حتی از تولد موسی (ع) نیز دیرینه‌تر است و دیگر آنکه تنها دین غالب ایرانیان از قبل از آن زمان زرتشتی یا مجوس بوده است و هرگز دیده نشده که به هیچ یک از اقوام و ملل غیر ایرانی «مجوس» اطلاق شود و آن نوع هدایایی که توسط این مجوسان به مسیح داده می‌شود از نوع آن هدایایی است که بنا به شواهد در ایران قدیم هدیه داده می‌شده است. گذشته از همه در قدیمی‌ترین شرح موجود از انجیل در قرن چهارم میلادی در مورد این مجوسان آمده است: «مردان مشرق زمینی بودند که از ایران آمده بودند زیرا در میان آنان مغان فریب‌کار دانسته نمی‌شوند بلکه مردمی خردمند به شمار می‌روند.»<sup>۱</sup>

مارکوپولوی ونیزی که در قرن سیزدهم میلادی که به عنوان اولین مسیحی اروپایی به ایران می‌آید، در سفرنامه خود نوشته در ایران شهری هست به نام سبا (که منظور شهر ساوه کنونی است) که از آنجا سه مغ به نام بالتازار<sup>۲</sup>، گاسپار<sup>۳</sup> و ملچیور<sup>۴</sup> برخاسته و برای پرستش حضرت عیسی به بیت اللحم رفته‌اند و هر نفر آن‌ها امروز باریش و زلف در مقبره مجلی مدفونند. مارکوپولو در شهر راجع به این سه نفر تحقیقات مفصلی نمود ولی هیچ کس نتوانست اطلاعات صحیحی درباره آنها بدهد، جز اینکه در زمان قدیم آن سه مغ در آنجا به خاک سپرده شده‌اند.<sup>۵</sup> در هر حال آشنایی ایرانیان با آیین مسیحیت سابقه‌ای بسیار دیرینه دارد و ایرانیان در استقبال از این آیین آسمانی

سوار<sup>۱</sup> را برای اولین بار در تاریخ قدیم ایرانیان در کتاب جاماسب نامه منسوب به جاماسب حکیم، که رساله‌ای فارسی و مشتمل بر سؤال و جواب بین گشتاسب شاهو جاماسب حکیم رد و بدل شده است، می‌توان یافت. در طی این سؤال و جواب‌ها مسائل گوناگون دینی و اخلاقی مورد بحث واقع شده است. مخصوصاً در آخر آن، پیش‌گویی‌هایی راجع به سرنوشت ایران زمین و ظهور موعودهای زرتشتی (سوشیانت) بیان می‌شود. جاماسب که در داستان‌های دینی و ملی قدیم ایران وزیر گشتاسب و داماد زرتشت معرفی شده است.<sup>۲</sup> پس از کشته شدن زرتشت در آتشکده بلخ، وی رهبری آئین و جامعه دینی را به عهده دارد<sup>۳</sup> که توسط زرتشت ایجاد می‌شود. باید توجه داشت که زمان تولد و ظهور زرتشت بنا بر اختلاف از شش هزار سال پیش از میلاد مسیح تا ششصد قبل از میلاد بیان شده است.

## ۲. انجیل متی باب دوم:

و چون عیسی در ایام هیرودیس پادشاه در بیت لحم یهودیه تولد یافت، ناگاه مجوسی چند از مشرق به اورشلیم آمده گفتند کجاست آن مولود که پادشاه یهود است زیرا که ستاره او را در مشرق دیده‌ایم و برای پرستش او آمده‌ایم اما هیرودیس پادشاه چون این را شنید مضطرب شد و تمام اورشلیم با وی. پس همه رؤسای کهنه و کاتبان قوم را جمع کرده از ایشان پرسید که مسیح کجا باید متولد شود. بدو گفتند: در بیت لحم یهودیه، زیرا که نبی چنین مکتوب است. و تو ای بیت لحم در زمین یهودا از سایر سرداران یهودا هرگز کوچک‌تر نیستی. زیرا که از تو پیشوایی به ظهور خواهد آمد که قوم من اسراییل را رعایت خواهد نمود، آنگاه هیرودیس مجوسیان را در خلوت خوانده وقت ظهور ستاره را از ایشان تحقیق کرد. پس ایشان را به بیت لحم روانه نمود گفت بروید و از احوال آن طفل به تدقیق تفحص کنید و چون یافتید مرا خبر دهید تا من نیز آمده او را پرستش نمایم. چون سخن پادشاه را شنیدند روانه شدند که ناگاه آن ستاره که در مشرق دیده بودند پیش روی ایشان می‌رفت تا فوق

نقش به سزایی ایفا نموده‌اند؛ هر چند که حضور تاریخی این دین با نشیب و فرازهای زیادی همراه بوده است، ولی از آغاز تاکنون همیشه نشاط و حیات یک دین آسمانی را در کشور ما داشته است؛ به گونه‌ای که می‌توان گفت مسیحیت از آغاز در ایران بوده است.

هنگامی که عیسی مسیح متولد گردید فرهاد پنجم در ایران دوزان اشکانی حکومت می‌کرد. قلمرو اشکانیان (۲۲۶م - ۱۵۰ ق م) در آن دوران بین‌النهرین و بابل و ایلام، ماد غربی، ماد علیا و پارت بود، ولی رواج این کیش را در تمامی سرزمین ایران به دوران اردوان سوم اشکانی (۱۲ تا ۳۹ یا ۴۰م) نسبت می‌دهند و هنگامی که در واقعه روز پنطیکاست یعنی روز نزول روح‌القدس می‌خوانیم که «روز پنطیکاست پارتیان و مادیان و ایلامیان و ساکنان جزیره در اورشلیم حاضر بودند و هر یک موعظه رسولان را به زبان خود شنیدند»<sup>۱۰</sup>، باز اینان نیز ایرانیان بودند؛ زیرا پارتیان اهالی خراسان امروز، مادیان اهالی کردستان امروز و ایلامیان اهالی خوزستان امروز و جزیره منظور بین‌النهرین است که تمامی این ایالات جزء ایران قدیم است<sup>۱۱</sup> که خود حوزه حکومت اشکانی است.

بنا بر روایت دو تن از حواریون حضرت مسیح به نام شمعون و یهوذا پس از صعود مسیح به نیت تبلیغ آیین مسیحیت به شرق روی آوردند<sup>۱۱</sup>. که بنا بر روایات ارمنی یهوذا ی حواری به نام قدیس طاطائوس از حواریون عیسی در نیمه اول قرن اول میلادی از بین‌النهرین به آذربایجان رفت و در محل قره کلیسا صلیبی برافراشت و به تبلیغ دین مسیح پرداخت و در همان جا شهید شد و امروز قدیمی‌ترین کلیسای ایران که قدمت آن به قرن اول میلادی بازمی‌گردد بر روی قبر این حواری شهید مسیح بنا گردیده و میعادگاه مسیحیان ارامنه در ایران است، زیرا این اعتقاد وجود دارد که ورود مسیحیت به ارمنستان به وسیله بعضی از حواریون عیسی مانند همین قدیس طاطائوس و قدیس برتولماوس بوده است<sup>۱۲</sup>. البته معروف است حواری دیگری که وی نیز نام یهوذا داشت و به نام توماس یا طوما ی حواری شناخته می‌شود تا جنوب هندوستان رفته و موجب ترویج این دین الهی به طریق در شرق و هندوستان و چین شده است و قطعاً این امر از طریق سرزمین ایران بوده است و اکتشافات پس از آن نیز این عقیده را تأیید می‌نماید زیرا نام بسیاری از روحانیون و مبلغین دین مسیحی، صلیب یا کتیبه‌هایی به خط پهلوی از روزگار دیرین همچنان موجود می‌باشد و اسامی پهلوی در این لوحه‌های دینی بارها به چشم خورده است.

البته باید دانست که تمامی این وقایع هم‌چنان در دوران حکومت اشکانیان بود و در آن زمان شهر اورفا (ادسا) که یکی از مراکز دیرینه فرهنگ و تمدن در منطقه حکومت دولت اشکانی بود، مرکز نشر و ترویج مسیحیت گردیده بود. در همان زمان اولین کلیسای مسیحی در آنجا بنیان نهاده شد و مذهب مسیحیت به دیگر نقاط ایران گسترش یافت و این گسترش از آذربایجان تا خراسان و ماوراءالنهر پیش رفت<sup>۱۳</sup>. حکومت اشکانی از آنجایی که هیچ دینی را رسمیت نبخشیده بود نسبت به تبلیغ مسیحیت در قلمرو حکومت خود چندان واکنش منفی از خود نشان نداد و همان گونه که دیگر ادیان موجود به حیات دینی و تبلیغاتی خود می‌پرداختند، مسیحیت نیز شروع به فعالیت رسمی نمود و حتی اندیشه‌های دینی مسیحیت که مبتنی بر پرستش خدای بزرگ بود، چندان ایجاد حیرت و تعجب نکرد، زیرا اندیشه‌های متعالی قلبی چون زرتشت و یهودیت نشاط و حیات فکری روشنی را برای ایرانیان فراهم آورده بود. در دوره ساسانیان (۶۵۰-۲۲۶م) با وجود آنکه آیین زرتشتی، دین رسمی ایران در دوران اردشیر بابکان می‌گردد و بالتبع رهبران مذهبی و مغان و موبدان دارای طبقه خاص اجتماعی و قدرت سیاسی می‌شوند ولی این قدرت باعث نمی‌گردد که رفتار حکومت و مردم نسبت به دیگر ادیان و مذاهب تغییر یابد و تضییقاتی در خصوص آنان اعمال گردد، زیرا در همین زمان در مناطق جنوب ایران مراکز مسیحی به قدمت ۲۲۵ میلادی وجود دارد. رسمیت یافتن آیین زرتشتی و حکومتی شدن آن بی‌تأثیر از شرایط سیاسی جهان آن روز نبود و حدود یک قرن بعد از آن نیز دین مسیحیت در حکومت امپراطوری روم که سال‌ها در مقابله با امپراطوری ایران است رسمیت می‌یابد و از این زمان است که نگرش حکومت‌ها به پیروان ادیان غیر حاکم به دلایل سیاسی و اقتصادی دگرگون می‌شود. این رفتار خصوصاً با رسمیت یافتن دین مسیح در قلمرو روم بر زندگی اجتماعی و فرهنگی مسیحیان در ایران بی‌تأثیر نبوده است. به طور نمونه قبل از رسمیت یافتن مسیحیت، مسیحیان ایرانی در دوره ساسانیان در تمامی مجامع دینی در عرصه‌های بین‌المللی حضور می‌یابند و به طور فعال در نخستین شورای کلیسایی که در سال ۳۲۵ در نیقیه به ابتکار کنستانتین تشکیل و منجر به اعتقادنامه نیقیه می‌گردد شرکت می‌کنند و اسقفی به نام یوحنا از ایران اعزام می‌شود، ولی پس از رسمیت یافتن مسیحیت در حکومت روم در سال ۳۸۳ میلادی شاهد آن هستیم که در

سال ۴۱۰ شورای کلیسایی ایران تشکیل می‌شود.

البته علی‌رغم تنش‌های دیرینه و دشمنی تاریخی دو امپراطوری ایران و روم نمی‌توان گفت که رسمیت یافتن مسیحیت در امپراطوری روم موجب گردید که تَضییقات و فشارهای فوق‌العاده‌ای بر مسیحیان ایران وارد آید و این در تمامی ادوار و مناطق یکسان و همگون باشد، زیرا تنها ده سال پس از رسمیت یافتن مسیحیت در روم یزدگرد اول (۳۹۹ میلادی) گردیدن به آیین مسیحیت را مجاز اعلام می‌کند. در آن زمان تنها مجوز تغییر دین حکم پادشاه بود و همین امر باعث گردید مسیحیت در ایران، در کنار آیین زرتشتی رسمیت یابد ولی بلافاصله پس از حکومت یزدگرد اول، بهرام پنجم (بهرام گور ۴۲۰م) به قدرت می‌رسد و جنگ‌های خونینی بین امپراطوری ایران و روم آغاز می‌شود. در این دوره اوضاع مسیحیان ایرانی آشفته شده و از پرتو جریان‌های سیاسی دو امپراطوری مسیحیان ایرانی بسیار آسیب می‌بینند و هنگامی که بین دو امپراطوری صلح برقرار می‌شود، ماده‌ای از معاهده صلح آزادی مسیحیان مقرر می‌شود.

همچنین در دوران انوشیروان (۷۹-۵۳۵) هنگامی که با روم صلح پنجاه ساله امضا شد، طبق آن صلح نامه، مسیحیان آزادی مذهبی بیشتری یافتند تا آن جایی که رهبران مسیحی چنان قدرتی یافتند و تا جایی پیش رفتند که در قلع و قمع مزدکیان به دست انوشیروان بسیار مؤثر بودند. البته وجود توافق نامه فوق و درج یک چنین معاهده‌ای مبنی بر اعطای آزادی به مسیحیان ایرانی مؤید اعمال بعضی از تَضییقاتی است که بنا به شرایط خاص سیاسی اعمال می‌گردد. حال این اعمال فشار و محدودیت‌ها چه از ناحیه موبدان زرتشتی و چه از سوی سیاست‌مداران دولتی بوده صرفاً سیاسی است. و هیچ‌گاه برخاسته از طبیعت دینی و یا اراده مردمی نبوده زیرا زرتشت یک دیانت دعوتی نداشته و مردمی که بنا به شواهد تاریخی خود پیشرو در آزادی دین و اندیشه در میان ملل شناخته شده‌اند خالی از مقاصد سیاسی و اقتصادی هرگز اعمال محدودیتی نکردند.

البته انفصال و استقلال کلیسای ایران از کلیسای روم و تأسیس کلیسای مستقل آخرین شبه سیاسی که سال‌ها سرنوشت مسیحیان این کشور را دچار سختی و مشقت می‌کرد رفع نمود و آن‌ها همچون دیگر مردم توانستند زندگی ایرانی خود را داشته باشند و فارغ از مسائل سیاسی و تضادهای دو امپراطوری با دیگر هموعان خود زندگی نمایند و آن واقعه به این طریق اتفاق افتاد که چون عهدنامه



صلح بین بهرام گور با رومیان امضا گردید، در سال ۴۲۱ مردی به نام داد یسوع به مقام جاثلیق مدائن نشست. وی پس از خاتمه جنگ و آزادی عیسویان شورایی در یکی از بلاد بین‌النهرین تشکیل داد که تمامی اسقف‌ها از ولایات ایران مانند مرو، هرات و اصفهان در آنجا حضور یافتند. در این انجمن که در تاریخ مسیحیت به نام شورایداد یسوع نامبردار است امری مهم به تصویب رسید که از آن پس برای کلیسای ایران آزادی و استقلال کامل شناخته و آن را از کلیسای روم به کلی جدا ساخت. ظاهراً مسیحیان ایران ملاحظه کردند مادام که تابعیت آن‌ها نسبت به کلیسای روم محفوظ باشد مورد سوء ظن پادشاهان و دستخوش آزار و ابدای مغان و موبدان خواهند بود. پس از آن با شهر بیزانس قطع رابطه کرده و داد یسوع که تا آن زمان جاثلیق (کاتولیکوس) موسوم به طریق (پاتریارک) ایران ملقب شد.<sup>۱۴</sup>

ظهور اسلام و گسترش قلمرو حکومت اسلامی با سقوط امپراطوری ساسانیان در ایران، شرایط دیگری را برای مردم و پیروان آئین‌های مختلف دینی در این محدوده جغرافیایی فراهم آورد، زیرا اسلام با احترام فوق العاده و با به رسمیت شناختن دیگر ادیان الهی خصوصاً با ادای احترام به مقام نبوت حضرت عیسی مسیح و مقام عالی حضرت مریم به عنوان یکی از چهار زنی که اسلام از آنان با نیکی فراوان یاد می‌نمود، در ابتدای ظهور خود هیچ گونه خصومتی را مقام عمل اعمال ننمود، بلکه ضمن به رسمیت شناختن این آیین‌های الهی عمل به آن‌ها را عین ثواب دانست. در آن‌جایی که می‌فرماید: ان الذین امنوا والذین هادوا والنصارى والصابئين من امن بالله واليوم الاخر وعمل صالحاً فلهم اجرهم عند ربهم ولا خوف عليهم ولا هم يحزنون.<sup>۱۵</sup>

و در خصوص پیروان و رهبران این آیین الهی گفت ... «ولتجدن اقرههم مودة للذین امنوا الذین قالوا انا نصارى ذلك بانهم قسيسين و رهبانا وانهم لا يستكبرون»<sup>۱۶</sup> و یا در قرآن کریم می‌بینیم دو نام عیسی و مسیح با چه عظمتی ۶۱ بار یاد شده است. و یا در سخنان حضرت پیامبر اسلام که فرمودند: «من اذا کتابتاً کمن أذانی»<sup>۱۷</sup> و عمدتاً در قالب تفکر رهبران تشیع از ائمه اطهار رسیده که می‌توان به خطبه ۱۵۹ نهج البلاغه در سجایای حضرت مسیح که از حضرت علی (ع) نقل می‌شود و یا به گفتگوهای حضرت امام صادق (ع) و حضرت رضا (ع) مراجعه نمود و زمینه بسیار مناسبی را خصوصاً در روابط مسیحیان با شیعیان جستجو نمود؛ که این‌گونه روابط در دیگر فرق اسلامی با

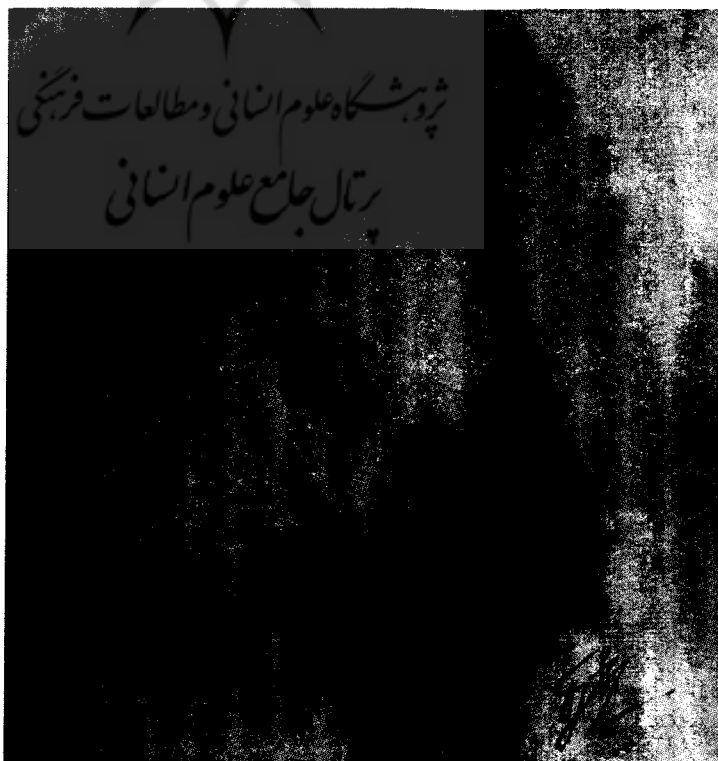
مسیحیان دیده نشده است. باری هنگامی که در این دوران اسلام وارد ایران می‌شود با پیروان و جوامع مختلف ادیان از جمله زرتشتیان، یهودیان، مسیحیان، صابین و بعضی از فرق و مذاهب تابعه این ادیان روبرو می‌شود؛ و از آنجایی که اینان را «اهل کتاب» می‌خواند طبق قوانین اسلامی و در قالب «پیمان اجتماعی» با آنان عمل می‌نماید و حقوق اجتماعی خاصی بالاتر از آن چه برای مشرکین در نظر می‌گیرد قائل می‌شود؛ خصوصاً مسیحیان که همیشه در حوادث تاریخی چون دانه گندم در دو سنگ آسیای روم و ایران بودند، اینک شرایط مطلوبی برای نظم بخشیدن به جامعه و کلیسای خود یافته بودند و دوران آرامش را سپری می‌نمودند. دوران عباسیان و بالخصوص در دو حکومت هارون و مأمون (۸۳۳-۷۶۶م) که دوران گشوده شدن دروازه‌های اسلام بر فکر یونانی و متحول شدن آن در دامان فکر اسلامی و ظهور دوران ترجمه و ارائه آثار مسیحی و یونانی است را می‌توان یکی از ادوار درخشان مسیحیت در ایران دانست و هم در این دوران است که با روشن بینی مأمون خلیفه عباسی صحنه گفتگوهای دینی بین ادیان در کشور رونق می‌یابد و تسامح و تساهل دینی به نهایت حد خود می‌رسد.

این شرایط همچنان در طول حکومت‌های ایرانی که برخاسته از فکر ایرانی و اسلامی است کمابیش حاکم بوده است. اینان نه تنها عضوی از جامعه ایران هستند بلکه در تمامی ادوار مکانت علمی و اجتماعی خاصی در دستگاه‌های حکومت اسلامی داشته‌اند. حتی دوران جنگ‌های صلیبی که آغاز آن در زمان سلطان محمد سلجوقی بود - که روابط خوبی هم با مسلمانان حوزه سوریه و لبنان داشت و کمک‌های محدود نظامی نیز به آنان می‌نمود - دیده نشده که در این ایام نیز تزییقاتی علیه جامعه مسیحیت کشور اندیشیده شود. و اساساً جنگ‌های صلیبی هیچ‌گاه به طور گسترده تهدیدی علیه ایران نبود و هیچ گونه تعصبات اجتماعی و سیاسی از جمله برخورد و اصطکاک در بین جامعه ادیان ایرانی به دنبال نیامورد و همین دوران است که از آن به دوران اعتلای فرهنگ و تمدن ایرانی و شایستگی رفتار اقوام ایران یاد می‌کنیم نه تنها مسلمانان بلکه دیگر پیروان ادیان و مذاهب نیز در شرایط بسیار مطلوبی بودند هجوم اردوی مغول به منطقه ایران و بین‌النهرین فاجعه‌ای بود که هم به بضاعت مالی و فرهنگی جامعه اسلامی و ایران ما را به تازاج داد و هم برای دیگر پیروان ادیان جز در بعضی مقاطع خاص تاریخی که کفه ترازو به نفع اقلیت مسیحی چرخید، در

حیات مسیحیت در ایران دانست، زیرا روابط صمیمانه دولت صفوی با دولت‌های مسیحی آن روز موجب گردید که نه تنها مسیحیان ایران در شرایط بسیار مطلوبی قرار گیرند بلکه موجب گردید موجی از جمعیت‌های مسیحی در قالب هیئت میسیونری و تبشیری از کلیساهای مختلف جهان به ایران سرازیر شوند و از طرفی شاه عباس صفوی (قرن هفدهم) جمعی از گرجیان و ارامنه را به ایران و مناطق داخلی ایران گسیل داشت و دیگر شرایط سیاسی از جمله سیاست خشن عثمانی‌ها نسبت به جامعه مسیحیان باعث گردید که جمعیت‌های وسیعی از مسیحیان به ایران مهاجرت نمایند؛ که البته این از جمله اولین مهاجرت‌ها نبوده و باید سابقه مهاجرت پیروان ادیان از جمله یهودیان و مسیحیان را که به خاطر تزییقات و شرایط دشوار دینی چه از ناحیه قدرت‌های سیاسی و چه از سوی هم‌کیشان خود اتفاق افتاده است، به دوران بس قدیمی‌تر مربوط کرد. در هر حال جمعیت ارامنه در دوران صفویه ایران حدوداً به ۱۷۰ هزار نفر رسید که چند هزار کاتولیک در میان آنان نیز بودند.<sup>۱۸</sup> در این دوران علاوه بر فرقه‌های اصلی و شناخته شده مسیحی فرقه‌های مختلفی چون کاپوسین‌ها، کارملیت‌ها، اگوستین‌ها، یسوعی‌ها و دومینیک‌ها در اصفهان نیز فعالیت داشتند<sup>۱۹</sup>. و در این

دیگر دوران بسیار سخت بود و از این دوران، یعنی قرن سیزدهم میلادی به تاریخ انحطاط مسیحیت در ایران یاد می‌نمایند و این دایره همچنان قوس نزولی را می‌پیماید؛ زیرا جز آشوریان نسطوری در آذربایجان غربی و در دیگر بلاد کشور عدد نصاری انگشت‌شمار می‌شود محدودیت و اختصاصی بودن زبان شریانی در تعلیم آیین مسیحیت، گستردگی خاک آسیا و خصوصاً قتل عام‌هایی که این طوایف مغول از جامعه مسیحیان نمودند علت اصلی می‌تواند باشد<sup>۱۸</sup>. زیرا بنا بر آنچه در بعضی از متون مسیحی آمده در جریان حمله مغولان قریب نه میلیون مسیحی در ایران و بین‌النهرین به قتل رسیده‌اند. هر چند در بعضی از ادوار چون زمان اباقاخان (۱۲۶۵) و زمان ارغون خان (۱۲۹۱م) شرایط بهتری برای آنان فراهم شد، در دوران حاکمیت مغول مسیحیان شرایط بهتری از مسلمانان نداشتند و در آن دوران وضعیت بعضاً برای مسلمانان به مراتب بدتر از مسیحیان بود. به طور مثال مالیات سرانه یا جزیه علی‌رغم شریعت اسلامی نه تنها از مسیحیان و زرتشتیان و یهودیان بلکه از مسلمانان نیز گرفته می‌شد، و این جزیه برای پیروان اسلام بی‌اندازه توهین‌آمیز دریافت می‌شد<sup>۱۹</sup>.

عصر صفویه را می‌توان به تعبیری دوران تجدید



دوره از جمله کلیسای معروف و تاریخی وانک (۱۶۰۶م) ساخته شده است. با سقوط سلسله صفویه و کشمکش‌های سیاسی و اجتماعی و بروز جنگ‌های داخلی و خارجی خصوصاً حمله افغانه و پس از آن در دوران افشاریان، زندیه، قاجاریه و دوران پهلوی هیچگاه شرایط سختی را برای مسیحیان فراهم نکرد بلکه به دلیل کمک‌های جریان میسیونری در تأسیس بعضی کلیساها، آموزش و تعلیم پیروان مذهب مسیحیت شرایط اجتماعی و اقتصادی نسبتاً مطلوبی را با آغاز قرن ۱۷ و دوران میسیونری برای مسیحیان ایران فراهم آورد؛ هر چند که آثار ناشی از تخریب آن بعدها آثار نامطلوبی برجای نهاد. این میسیونرها به دلیل اینکه عمدتاً از فرق کاتولیکی و پروتستانی بودند و اولین توجه را به دعوت از جوامع مسیحی بومی که به طور عمده از جامعه نسطوری و آرامنه بودند معطوف می‌دانستند. مشکلات زیادی برای آنان فراهم نمودند؛ که بعضاً موجب واکنش‌های جدی و خونینی از ناحیه مسیحیان ایرانی شد.

میسیونری در تاریخ سیاسی - اجتماعی ایران جایگاه خاصی دارد و از جهات مختلف می‌توان به آن پرداخت و ما ایرانیان، خصوصاً مسیحیت اصیل و تاریخی، از این حرکت تبلیغی بهره‌های مثبت و منفی بسیاری برده‌ایم. انجام اقدامات انسان دوستانه، انجام فعالیت‌های فرهنگی در امر تعلیم و آموزش، ترجمه و انتشار بعضی از آثار فرهنگی از جمله کتاب مقدس، فعالیت‌های پزشکی و خدمات درمانی، از جمله فعالیت‌هایی است که توسط میسیونری انگلیسی، امریکایی، فرانسوی، روسی، آلمانی، ایتالیایی انجام شده و تاریخ کشور ما شاهد آن بوده است و متقابلاً انجام تبلیغات دینی خصوصاً از ناحیه میسیونری پروتستانی آثار بسیار منفی و مخربی بر جای نهاد که نه تنها در آن روز آرامش و ثبات یک جامعه دینی را بر هم زد و معارضة تاریخی ایجاد نمود بلکه تاکنون نیز جوامع مختلف دینی مسیحیت از تبعات منفی آن همچنان رنج می‌برند. و نتیجه این گردید که به طور مثال، هیئت میسیونری امریکایی که یک صد و اندی سال فعالیت میسیونری در ایران داشته، نه تنها توفیقی در انجام تبلیغ کسب نکرد بلکه امر تبلیغی خود را متوجه جامعه ارتدکس آشوری نمود تا آن‌ها را به فرقه پروتستان نزدیک سازد. این امر منجر به پراکندگی جامعه آشوری، مهاجرت و کینه دیرینه کلیسای سنتی با کلیساهای نوبنیاد ایران و بالتبع مشکلات هم زیستی مسیحیان در ایرن گردید. و متأسفانه تجربه‌ای که بار دیگر در منطقه آسیای میانه در حال تکرار

است و قطعاً نتایج غیرمطلوبی برای مسیحیت غرب خواهد داشت. در هر حال دوره میسیونری در ایران منجر به تأسیس بعضی از کلیساهای جدید و انشعاب در بعضی از کلیساهای کهن گردید که به آن‌ها اشاره خواهد شد.

## کلیساهای ایران

### الف. کلیساهای ارتدکسی:

#### ۱. کلیسای آرامنه

قوم ارمنی از هزاره دوم پیش از میلاد مسیح در کوهستان‌های ارمنستان شکل گرفت. آنان در سال ۳۰۱ میلادی، به عنوان اولین کشوری که آیین مسیحیت را رسمیت بخشید، شناخته می‌شوند. جمعیت مهاجر ارمنی که در چندین مقطع در ایران سکنا گزیدند، به طور پراکنده در ایران زندگی می‌کنند. این مهاجرت‌ها بیشتر از قرن شانزدهم میلادی یعنی طی جنگ عثمانی با ایران آغاز شد. ارمنی‌ها طی مهاجرت خود به مناطق جلفا و از آن‌جا به مرکز ایران آمدند. کلیسای ارمنی از ابتدا از اصول عقاید کلیسای «سریانی» تبعیت می‌کرد و یکی از فرق مونوفیزیت‌ها به شمار می‌روند.

ارمنی‌ها برای عیسی جنبه بشری قائل نشده و گفته‌اند که حقیقت امر صرفاً الهی است و عنصر بشری عیسی در الوهیت وی مستهلک و محو شده است.<sup>۲۲</sup> اینان در ابتدای قرن پنجم میلادی زبان ارمنی را به عنوان زبان نیایش جایگزین زبان سریانی کردند. شعارهای کلیسای ارمنی کاملاً با شعارهای کلیسای ارتدکس مطابقت دارد.<sup>۲۳</sup> البته در دوران میسیونری در ایران جمعی از آرامنه به دو مذهب پروتستان و کاتولیک گرویدند که هم اینک کلیساهای مستقلی در ایران دارند. کلیسای آرامنه نظرات شورای نیقیه، قسطنطنیه و افسوس را پذیرفته ولی به دلایل سیاسی و دینی نظرات شورای کالسدون را نپذیرفته و در شورایی که در دویین به سال ۵۰۶ میلادی برپا شد، هم افکار نسطوریان و هم نتایج کالسدون را مردود شناخت. این کلیسا اکثریت جامعه اقلیت ایران را به خود اختصاص می‌دهد و تابع دو کلیسای بزرگ، یعنی کلیسای ارمنی اچمیادزین در ارمنستان و کلیسای انطلیاس در لبنان است. در ایران سه خلفه گری تاریخی بزرگ در سه شهر تهران، اصفهان و تبریز دارند و از امکانات وسیع اجتماعی، ورزشی و فرهنگی برخوردارند که اجمالاً به آن‌ها اشاره می‌شود.

قبل از آن لازم به ذکر است که جمعیت کشور جمهوری اسلامی ایران بر اساس آخرین آمار قریب به ۶۱

وانک و موزه‌های آنان اشاره کرد. کلیسای وانک که در سال ۱۶۰۶ تأسیس شده است، معماری سنتی ایرانی دارد و از زمان تأسیس تاکنون ۳۲ خلیفه‌ارمنی یکی پس از دیگری و بدون وقفه به خود دیده است.

## ۲. کلیسای آشوریان

آشور یا آشور به بخشی از نژاد سامی اطلاق می‌شد که چند هزار سال پیش از میلاد مسیح از جنوب شبه جزیره عربستان به سرزمین عراق و بین‌النهرین آمد. آشوری‌ها پس از پذیرش مسیحیت، یک فرقه مذهبی که صرفاً جنبه ملی داشت برای خود ایجاد نمودند و آن را مستقل اعلام نمودند. کلیسای شرق آشور یا کلیسای پارس کلیسایی بود که از لحاظ اعتقادی به جامعه ارتدکسی وابسته بود. این کلیسا پیرو مذهب نسطوریوس، اسقف قسطنطنیه (۴۲۸ - ۴۳۱ م) است. پیروان مذهب نسطوریوس اعتقاد دارند که حضرت مسیح دو طبیعت انسانی و الهی یا لاهوتی و ناسوتی دارد، زیرا مسیح دو یا سه ماهه را نمی‌توان خدا خواند. این جامعه هم‌اینک علی‌رغم تاریخ ارتدکسی خود دارای فرقه کاتولیک و پروتستان نیز هستند و

میلیون نفر است که از این جمعیت ۹۹/۵۶ درصد را جامعه مسلمان و کمتر از نیم درصد را جامعه اقلیت‌های دینی تشکیل می‌دهد و با این احتساب کل جامعه اقلیت بالغ بر سیصد هزار نفر خواهد بود.

ارامنه ایران هم اینک قریب به ۱۵۰ هزار نفر از جامعه اقلیت ایران را تشکیل می‌دهند همان طوری که گفته شد از امکانات و وسیع اجتماعی و فرهنگی برخوردارند. ارامنه طبق اصل نوزدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که می‌گوید «مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد شد»، گذشته از امکانات عبادی یعنی مکان‌های خاص برای عبادت از دیگر امکانات ملی نیز به طور مساوی با دیگر هم‌وطنان خود برخوردارند. در هر حال جامعه ارمنی ایران در شرایط کنونی دارای امکانات زیر است:

۱. امکانات پارلمانی: ارامنه دو نماینده در مجلس شورای اسلامی دارند.

۲. امکانات کلیساها: از مجموع قریب به ۲۵۰ کلیسای ایران، ۲۰۰ کلیسا متعلق به جامعه ارمنیان ایران است که با جمعیت ۱۲۰ هزار نفری در تهران، آن‌ها تنها در این شهر ۵۰ کلیسا دارند.

۳. مطبوعات: ارامنه ایران از قدیم ایام دارای مجله، روزنامه، نشریه هفتگی، روزانه، ماهانه و فصلنامه در کشور بوده‌اند که قدمت مجله‌ایک هم اینک به ۶۷ سال می‌رسد که نه تنها در ایران بلکه در ۴۰ کشور جهان خواننده دارد. تاکنون تعداد ۱۰۲ نشریه توسط این جامعه در کشور به ثبت رسیده که توسط مجامع مختلف ارمنی انتشار می‌یابد.

۴. دیگر امکانات آنان عبارت است از ۵۰ انجمن فرهنگی، ورزشی، خیریه در کشور به طور مثال باشگاه آراارات در تهران از جمله بزرگ‌ترین مراکز ورزشی کشور ماست که در اختیار انحصاری جامعه ارامنه کشور است و فینال مسابقات جامعه ارامنه در ماه گذشته توسط مقام ریاست جمهوری افتتاح شد.

۵۰ مدرسه خاص که در استفاده انحصاری جامعه ارامنه است و مسلمانان حق شرکت در آن‌ها را ندارند، ولی بالعکس امکان ثبت نام دانش‌آموزان اقلیت در مدارس مردمی مسلمان وجود دارد.

جامعه ارامنه دارای تعداد زیادی خانه سالمندان، قبرستان‌های خاص، چاپخانه و چندین آثار فرهنگی و ملی است. از جمله می‌توان به کلیسای قره کلیسا، کلیسای



جمعیتی قریب به یک میلیون و دویست هزار نفر دارند در عراق، ایران، ایالات متحده پراکنده هستند. امکاناتی که این جامعه هم اینک در ایران دارند عبارت است از:

۱. پارلمانی: یک نماینده در مجلس شورای اسلامی جمهوری اسلامی ایران دارند.

۲. امکانات کلیسایی: تعداد کلیسای آشوریان یا به عبارت بهتر شرق آشور تنها در شهر ارومیه ۵۹ کلیسا و در تهران شش کلیسا است؛ که به این ترتیب تنها جامعه سی هزار نفری آشوریان ۶۵ کلیسا در ایران دارند و از این تعداد شش کلیسای آن به دوران ساسانی مربوط است.

#### ۳. امکانات آموزشی، تفریحی، فرهنگی

این جامعه علاوه بر استفاده از مدارس ملی که حق مسلم هر شهروند ایرانی است دارای مدارس مخصوص آشوری‌ها نیز هستند؛ که مهم‌ترین آن‌ها دو مدرسه دخترانه و پسرانه حضرت مریم و بهنام است. این جامعه همچنین ۲۷ نشریه، ۲۰ مرکز فرهنگی - اجتماعی، دوازده کمیته زنان، مهندسان .... دارد و همه ساله رهبر جهانی این فرقه یک تا دو ماه را در بین این جامعه در ایران به سر می‌برد.

#### ۴. کلیسای ارتدکس روس

##### و کلیسای ارتدکس یونان

این دو کلیسای ارتدکسی که به مناسبت حضور اتباع روسی و یونانی در گذشته تأسیس شده همچنان فعال است. کلیسای نیکلاس مقدس روس هم اینک یک کشیش اعزامی از کلیسای مسکو دارد. این کشیش در تهران فعالیت رسمی دارد و رهبری معنوی قریب به چندین هزار مستشار عمرانی و صنعتی روس و بعضی از خانواده‌های روسی در ایران را به عهده دارد. نامبرده از ایران بر دیگر اتباع مسیحی روس در منطقه خلیج فارس نیز نظارت دینی دارد.

#### ب. کلیسای کاتولیک:

آشنایی با کلیسای کاتولیک در ایران، گذشته از شناخت اجمالی آن، بیشتر به قرن شانزدهم میلادی مربوط می‌شود و آن هنگامی است که نسطوریان به دو فرقه تقسیم می‌شوند: یکی به نام کلدانیان که در سال (۱۵۵۵م) پاپ اعظم ژول سوم برای آن‌ها اسقف تعیین می‌کند و فرقه دیگر همان نسطوریانی هستند که به کلیسای شرق آشور وفادار می‌مانند. در هر حال جامعه کاتولیک

زیر نظر یک شورای اسقفی اداره می‌شود که ۱۳ کشیش دارد و شامل سه جمعیت مشخص ذیل است که اجمالاً به آن پرداخته می‌شود:

#### ۱. جامعه کاتولیک ارمنی

قدمت این کلیسا در ایران به چهار قرن قبل، یعنی دوران حکومت صفویه می‌رسد که از میسیونرهای جوامع دینی کاتولیک برنامه‌های تبلیغی و میسیونری خود را در بین ارمنه ایرانی آغاز نمودند. اعضای پیرو این کلیسا ۱۲۰۰۰ هزار ارمنی است. جامعه کاتولیک ارمنی هشت کلیسا، چهار مکان تربیتی و ورزشی، شش مرکز آموزشی و یک قبرستان اختصاصی دارند.

#### ۲. جامعه کاتولیک آشوری کلدانی

هم اینک این کلیسا با رعایت تمام اعتقاد کاتولیکی، تنها در انجام مراسم عبادی خود با دیگر جوامع یک کاتولیک تفاوت دارد. پیروان این فرقه، مراسم عبادی خود را به زبان آشوری انجام می‌دهند. این جامعه در ایران هشت کلیسای فعال دارد و ۱۳ هزار پیرو را به خود اختصاص داده است.

#### ۳. جامعه کاتولیک لاتین

این کلیسا بیشتر به اتباع خارجی اختصاص داشت که در حین مأموریت، جهت انجام مراسم دینی به تأسیس کلیسا مبادرت نمودند و سابقه آن به سال ۱۶۳۰ میلادی باز می‌گردد. در این کلیساها، به طور مرتب، روزهای یکشنبه مراسم دینی برپا می‌شود و از مجموع اتباع کشورها جمعیت‌هایی از فرانسوی‌ها، ایتالیایی‌ها، هلندی‌ها و لهستانی در آن شرکت کنند. طبق آماري که در سال ۱۳۷۰ خلیفه گری کاتولیک در ایران به ثبت رسانده است، تعداد اعضای این کلیساها دو تا دو هزار و پانصد نفر است و جمعاً صاحب ۹ کلیسا هستند.

#### ج. کلیساهای پروتستان

از قرن نوزدهم و با ورود هیئت میسیونری از انگلیس و امریکا به ایران، مذهب پروتستانی به جامعه مسیحیان سنتی معرفی شد و از آنجایی که هدف اول میسیونری در ایران جوامع سنتی مسیحی و بعضاً یهودی بود، بیشترین تلاش آن‌ها صرف تغییر مذهب این جوامع می‌شد. این میسیونرها توانستند با فعالیت‌های گسترده، چندین شاخه پروتستانی در ایران ایجاد نمایند. در زیر به اهم این



شاخه‌ها اشاره می‌شود:

بعضی از اجتماعات محدود در منازل خود می‌باشد و جمعاً دارای ۱۰ کشیش، ۲۰ خادم کلیسایی و جمعیت پیروان آن قریب به دو هزار نفر در سراسر ایران است.

#### ۱. کلیسای انجیلی ایران (پرزبیتی)

اعتقاد این کلیسا بر پایه اصول عقاید کالوین بنا گردیده و پیروان آن معتقدند که عیسی مسیح بر حسب پیش‌گویی‌های عهد عتیق از مریم باکره متولد و سپس مصلوب و مدفون شد. آن‌ها معتقدند که وی روز سوم از میان مردگان برخاست و بعد از چهل روز به آسمان رفت و مجدداً رجعت می‌نماید. آن‌ها همچنین به روز رستاخیز و داوری و روح القدس اعتقاد دارند.

کلیساهای انجیلی در ایران سه زبان عبادتی جداگانه دارند و هر یک از آن‌ها دارای تشکیلات کلیسایی مخصوص به خود هستند. این سه گروه عبارتند از:

الف. کلیسای انجیلی آشوری زبانان

ب. کلیسای انجیلی ارمنی زبانان

ج. کلیسای انجیلی فارسی زبانان

سه جمعیت فوق، هر کدام شش نماینده تعیین می‌کنند و این کلیسا زیر نظر یک شورای هجده نفره که عالی‌ترین مرجع کلیسای انجیلی است اداره می‌شود. این جامعه جمعیتی قریب به پنج هزار نفر دارد و در کل کشور صاحب ۱۴ کلیسا است.

#### ۲. کلیسای اسقفی ایران (انگلیکان)

دایرة اسقفی که فعالیت خود را از قرن نوزدهم در ایران آغاز کرد، به خدای واحد حقیقی، پدر، پسر و روح القدس، تولد مسیح از مریم باکره، مصلوب شدن و قیام مسیح از مردگان و صعودش به آسمان و بازگشت دوباره او، روزه‌داری، وجود گناه و لزوم توبه به نام عیسی مسیح و تعمید اطفال اعتقاد دارد. جمعیت پیروان این کلیسا حدود ۸۰ نفر است آنها سه کلیسا در شهرهای اصفهان، تهران و شیراز دارند.

#### ۳. کلیسای جماعت ربانی (یا پنطیکاست)

این کلیسا در سال ۱۹۵۸ در ایران تأسیس شد و از همان ابتدای امر به شورای عمومی جماعت ربانی ایالات متحده آمریکا وابسته بود. این کلیسا به تکلم به زبان‌های آسمانی اعتقاد دارد. این تکلم را نشانه تعمید به روح القدس می‌داند. همچنین این کلیسا به اعضای خود اجازه می‌دهد که فیوضات و تجارب روحانی و تحولات درونی خود را در زندگی بیان کنند.

این جمعیت دارای ۳ کلیسا در تهران است و صاحب

#### ۴. کلیسای ادونتست‌های روز هفتم ایران

این کلیسا در سال ۱۹۱۱ در ایران تأسیس شد و پیروان آن فرقه‌ای از مسیحیان پروتستان هستند که روز هفتم را تعطیل می‌کنند و در ضمن با کلیسای انجیلی در ایران همکاری نزدیک دارند. پیروان این کلیسا به تعلیم کتاب مقدس و ده احکام و بازگشت زودرس عیسی مسیح اعتقاد دارند و خود را برای این بازگشت بزرگ آماده می‌سازند و این آمادگی را در دوری از پلیدی‌ها، حفظ و حراست روح و جان و دوری از گوشت ناپاک و مشروبات الکلی و دخانیات و اجتناب از گفتار ناپسند و ناشایست می‌دانند. این کلیسا در ایران توسط یک شورای دینی اداره می‌شود و دارای شش کلیسای فعال و غیر فعال است و جمعیت آن‌ها قریب به ۷۰ نفر است.

#### موقعیت حقوقی

طبق مبانی حقوق اسلامی، آزادی مراسم و شعائر دینی، امنیت معابد و اماکن مقدسه، حرمت شخصیت‌های روحانی، آزادی انتخاب مسکن، استقلال قضایی، فعالیت‌های اقتصادی و آزادی در روابط اجتماعی، در حکومت اسلامی تضمین شده است.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تبلور عملی تمامی مبانی نظری و اعتقادی اسلامی در خصوص اقلیت‌های دینی است. اقلیت‌های دینی در کشور بیگانه تلقی نمی‌شوند و طبق قوانین موجود یکی از جمعیت‌های رسمی کشور هستند و طبق اصل نوزدهم قانون اساسی «مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند این‌ها سبب امتیاز نخواهند شد» و همان طوری که در قسمت قبلی اشاره شد، جامعه اقلیت کشور ما، عمدتاً از اقوام ارمنی و آشوری و دیگر اقوام و قبایل ایرانی و غیر ایرانی هستند که امروز همه با نام مردم ایران شناخته می‌شود و هر کدام از آنان حقوقی چون دیگران دارند. گذشته از اصل کلی فوق جامعه اقلیت ایران ۵ اصل از اصول قانون اساسی را به خود اختصاص داده است، عبارتند از:

#### ۱. اصل سیزدهم:

ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی تنها اقلیت دینی

شناخته می‌شوند که در حدود قانون در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصیه و تعلیمات دینی بر طبق آیین خود عمل می‌کنند.

آنچه از این قانون مستفاد است:

الف. زرتشتیان، کلیمیان و مسیحیان ایرانی‌اند و حکم بیگانه در خصوص آنان چون اتباع بیگانه در کشور اطلاق نمی‌شود.

ب. حدود قانونی که برای تمامی ملت ایران منظور است، در خصوص آنان نیز رعایت می‌شود.

ج. آنان در انجام مراسم خود، طبق آنچه فرهنگ و سنت آنان ایجاب می‌کند آزادند. این آزادی در خصوص انجام مراسم عبادی، ازدواج، فرهنگ قومی و قبیله‌ای، پوشیدن لباس مسیحی و دیگر آداب و رسوم است.

د. احوال شخصیه‌ای که گویای ویژگی‌های دینی و فرهنگی است.

ه. آموزش تعلیمات دینی، چه به پیروان خود و چه در تعلیم و آموزش فرزندان و تأسیس مراکز آموزشی و تعلیماتی صدق می‌کند.

#### ۲. اصل چهاردهم:

به حکم آیه «لاینهاکم الله عن الذین لم یقاتلواکم فی الدین و لم یخرجواکم من ديارکم ان تبرهوا و تقسطوا الیهن ان الله یحب العقسطین»<sup>۲۴</sup>، دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان مؤظفند نسبت به افراد غیر مسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل عمل نمایند و حقوق انسانی آن‌ها را رعایت کنند. این اصل در حق کسانی اعتبار دارد که بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی ایران توطئه و اقدام نکنند.

در این اصل دو نهاد، یعنی جامعه و دولت، موظف به رعایت اخلاق، عدالت و حقوق اقلیت‌های دینی‌اند و خلاف آن نقض قانون اساسی کشور است.

#### ۳. اصل پانزدهم:

... استفاده از زبان‌های محلی و قومی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آن‌ها در مدارس در کنار زبان فارسی آزاد است.

تا قبل از انقلاب اسلامی، استفاده از زبان و ادبیات قومی و دینی برای مسیحیان ممنوع بود و پس از انقلاب اسلامی مسیحیان توانستند در مجامع و محافل دینی و فرهنگی از زبان خود استفاده نمایند.

#### ۴. اصل بیست و ششم:

«احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی و اقلیت‌های دینی شناخته شده آزادند؛ مشروط به این که اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچ کس را نمی‌توان از شرکت در این جمع‌ها منع کرد یا به شرکت در یکی از آن‌ها مجبور ساخت.»

\* این اصل ضامن امکان تأسیس حزب، جمعیت، گروه دینی و انجام فعالیت‌های آزاد دینی و سیاسی آنان است.

#### ۵. اصل شصت و چهارم:

«تعداد نمایندگان مجلس شورای اسلامی دو بیست و هفتاد نفر است و از زمان همه‌پرسی سال ۱۳۶۸ (۱۹۸۹ میلادی) پس از هر ده سال، با در نظر گرفتن عوامل انسانی، سیاسی، جغرافیایی و نظایر آن، حداکثر بیست نماینده می‌تواند اضافه شود. زرتشتیان و کلیمیان هر کدام یک نماینده و مسیحیان آشوری و کلدانی مجموعاً یک نفر نماینده و مسیحیان ارمنی جنوب و شمال هر کدام یک نماینده انتخاب می‌کنند.» در مجموع، جامعه اقلیت ایران در مجلس شورای اسلامی پنج نماینده دارد.

در توضیح این اصل لازم است اصل هفتاد و چهارم را اضافه کنیم که می‌گوید «هر نماینده در برابر تمام ملت مسئول است و حق دارد در همه مسائل داخلی و خارجی کشور اظهار نظر نماید.» که با این وصف نماینده یک جامعه اقلیت که جهت ورود به مجلس از جامعه خود تنها ۵۰۰۰ رأی دارد، دارای همان اختیاراتی است که یک نماینده با قریب یک میلیون و نیم رأی دارد و هر نماینده اقلیت، طبق اصل شصت و هفتم نمایندگان اقلیت‌ها سوگند در مجلس را به کتاب آسمانی خود یاد می‌کند. گذشته از آن چه در اصول قانون اساسی برای این جوامع آمده است، دیگر قوانین و مقررات کشوری هر کدام به مقتضای شرایط این جامعه برای آنان طبق آن چه رضایت و میل باطنی آنان است و با مشارکت و مشاورت فعال خودشان یا نمایندگان آنان، اقدام به تدوین و تصویب قوانینی می‌کند که تأمین‌کننده خواست آن‌ها باشد.

#### یک مقایسه:

جهت وضوح و شفاف شدن مطالب فوق علاقمند توجه شما را به مقایسه‌ای در دو موقعیت خاص جامعه مسیحیان ارمنی در ایران جلب نمایم:

## الف: میزان بهره‌بری از مکانات عبادی:

جمعیت مسلمانان در جمهوری اسلامی ایران هم اکنون قریب شصت میلیون و اندی است که این جامعه جهت برگزاری مراسم دینی خود تنها ۵۷۸۷۷ مسجد دارند یعنی به طور متوسط به هر ده هزار نفر یک مسجد تعلق می‌گیرد در حالیکه تنها جمعیت ارامنه که اکثریت جامعه اقلیت را تشکیل می‌دهند هر ۷۵۰ نفر یک کلیسا داشته و دیگر جوامع اقلیت‌ها بعضاً با داشتن جمعیتی کمتر از یک صد نفر سه کلیسای رسمی و دایر در کشور دارند که در مجموع امکانات عبادی این جامعه قریب ۱۶ برابر جامعه مسلمان کشور است.

## ب: استفاده از امکانات ورزشی:

به عنوان ارائه یک نمونه از مرکز آمار تأسیسات ورزشی ایران گرفته شده است امکانات ورزشی در کشور ما برای هر ایرانی (اعم از مسلمان و یا غیر مسلمان) تنها ۱/۵ متر فضای ورزشی است. در حالیکه جامعه ارامنه ایران ضمن استفاده از این حق ملی خود به عنوان یک شهروند ایرانی در ازای هر نفر ۵ متر فضای ورزشی اختصاصی دارند که با این احتساب هر فرد اقلیت ارمنی در کشور از ۶/۵ متر امکانات ورزشی برخوردار است که میزان آن نزدیک به ۵ برابر هموطن مسلمان خود است که بسیاری از هزینه‌های نگهداری آن از بودجه‌های سراسری کشور هزینه می‌گردد.

متقابلاً جامعه اقلیت کشور ما، با درک عمیق از شرایط تاریخی و امروزی خود، هم‌اینک در یک جو پر از تفاهم و درک متقابل و توأم با احترام به دیگر هموطنان خود، همزیستی مسالمت‌آمیز دارند. آنان امروز در تمامی صحنه‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی کشور حضور داشته و در تمامی شرایط سخت و دشوار و همچنین در شادمانی‌های ملی میان مردم بوده‌اند. مشارکت سیاسی و اجتماعی جامعه اقلیت و همچنین حضور آن‌ها در صحنه سازندگی کشور بسیار چشمگیر بوده است.

## و السلام

## پانویس:

۱. صادقی محمد. بشارت عهدین. ص ۵۱-۵۰ و ۲۵۸-۲۷۲.

۲. دایرة المعارف مصاحب. جلد اول، ص ۷۲۰.

۳. پیش‌گویی‌های جاماسب در کتابی به نام ایانگار جاماسپیک آمده قبر جاماسب حکیم هم اکنون بر فراز تپه‌ای در خفر از توابع

شهرستان جهرم است. این کتاب به اهتمام مسینا با شرح و ترجمه ایتالیایی منتشر شده است. (ژم ۱۹۳۹).

۴. بومیس، لوی، تاریخ کیش زرتشت، ترجمه همایون صنعتی زاده، ناشر: توس، ۱۳۷۵. ص ۵۵۶.

5. Baltasar

6. Gaspar

7. Melchior

۸. سفرنامه مارکو پولو. ترجمه حبیب الله صحیحی. بنگاه ترجمه و نشر کتاب. ۱۳۵۰. ص ۳۳.

۹. انجیل: اعمال رسولان، پاپ دوم.

۱۰. تاریخ کلیسای قدیم ایران: و. م. میلر، انتشارات نور جهان.

۱۱. انجیل: لوقا، باب دوم، ۱۵.

۱۲. دایرة المعارف مصاحب. جلد دوم، ص ۲۰۴۲.

۱۳. راتین. اسماعیل. ایرانیان ارمنی، ص ۱۱.

۱۴. علی اصغر حکمت، تاریخ ادیان، ص ۲۴۵.

۱۵. همانا آنها که ایمان آوردند و آنان که یهودی، مسیحی و صابنی

شدند چنانچه ایمان به خدا و روز آخرت داشته باشند و عمل صالح انجام دهند بر آنان هیچ حزن و اندوهی نیست. (سوره ۲، آیه ۵۹)

۱۶. سوره ۵، آیه ۸۵ بیشترین دوستی با اهل ایمان را آن‌هایی دارند که گویند ما مسیحی هستیم و آنان مخصوصاً کشیشان و راهبان مسیحی هستند که سرکشی نمی‌کنند.

۱۷. طبقات الشافعیه - سبکی ج ۱. ص ۲۶۸ (هر کسی یک انسانی از اهل کتاب را آزاد دهد چون آن است که مرا آزرده باشد).

۱۸. حکمت. علی اصغر. تاریخ ادیان. ص ۲۵۰.

۱۹. راوندی: مرفعی، تاریخ اجتماعی ایران، ج ۲. ص ۳۱۷.

۲۰. لاردنی. لکهارت. انقراض سلسله صفویه و ایام استیلای مغول. ترجمه مصطفی قلی اعتماد. ص ۶-۸۵.

۲۱. کمپفر. انگبرت. سفرنامه کمپفر. ص ۱۹۷.

۲۲. راتین. اسماعیل. ایرانیان ارمنی. ص ۱۰.

۲۳. مؤلند اینار جهان مسیحیت. ترجمه محمدباقر انصاری. ص ۵۰.

۲۴. سوره ممتحنه. آیه ۸

